
رویکردی روانشناختی به سیستم استانیسلاوسکی

www.ketab.ir

نویسنده:

محمود فتح الهی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: زمینه‌های ظهور و پیدایش سیستم
۱۳	شرح حال "استانیسلاوسکی"
۱۵	سیستم چیست؟
۱۷	نگاهی به قرن نوزدهم
۲۲	تاریخچه تکوین و تدوین سیستم
۲۷	شرایط استثنائی
۳۱	اوضاع و شرایط تأثیر روسیه (۱۸۷۵-۱۹۳۸)
۴۱	فصل دوم: عناصر سیستم
۴۴	اگر جادویی
۴۵	شرایط پیشنهادی
۴۵	تخیل
۴۹	توجه متمرکز
۵۵	باور و احساس حقیقت
۵۷	حافظه هیجانی
۵۹	ارتباط

۶۱	سازگاری
۶۴	تمپ و ریتم
۶۸	عمل
۶۸	مافوق هدف و عمل سرتاسری
۷۰	خوداحساس‌گری

۷۳	فصل سوم: روان‌شناسی و سیستم
۷۸	غریزه
۸۴	خودآگاهی و ناخودآگاهی
۹۴	احساس و ادراک
۹۷	عواطف و هیجانات
۱۰۳	شرطی شدن

۱۰۷	فصل چهارم: مشکلات سیستم
۱۰۹	مشکلات سیستم

۱۱۵	مؤخره
-----	-------

۱۲۱	منابع و مآخذ
-----	--------------

۱۲۵	نمایه
-----	-------

مقدمه

بازیگری به عنوان یکی از پربنده‌ترین و شگفت‌انگیزترین اعمال رفتاری بشر و از جمله قدیمی‌ترین هنرهاست. به دور علم‌های مختلف با نگره‌های مختلف قابل تعریف و تحلیل می‌باشد. مقوله‌ای که همیشه برای نوع بشر دارای جذابیت، زیبایی و نیز حالتی اسطوره‌ای و آیینی بوده است.

قدر مسلم علاوه بر دانش فطری، قریب استعدادهای بشر در امر نقش‌پذیری اجتماعی، نقش‌گزینی روانی و به‌طور کلی بازیگری، عوامل دیگری نیز وجود داشته‌اند که طی قرون و اعصار و در اثر تجربیات و بلوغ علمی، با نگره‌هایی متأثر از شرایط، تبدیل به شاخص‌هایی برای ارزیابی و ارزش‌گذاری این هنرمندان گشته‌اند.

شاخص‌هایی که اکثراً عمر زیادی نداشته و با گذشت زمان در هر عصری با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نیازهای مادی و معنوی بشر، پیرو به اشکال متفاوت و با عنوان‌های مجزا مطرح گشته‌اند.

مدت زمان زیادی نیاز بوده است تا بازیگری از حالت بدوی، راز و رمز‌آمیز و بالاخره شخصی و الهامی خود خارج شود و مطابق اصول و مبانی خاص زیبایی‌شناسی هنری تعریف گردد. هنرمندان زیادی می‌بایست زندگی و استعداد خود را در این راه قربانی می‌کردند تا بازیگری به صورت اصولی مدون، غیرشفاهی و تجربی در عرصهٔ تئاتر مطرح گردد و تئاترهای کهنه که آموزش نتایج نهایی خلاقیت و یا متکی به "الهام هنرپیشه" بودند به تئاتر جدی‌تر و علمی‌تر پیوند داده شوند. از آن جمله است: دایره وسیعی از

مسائل تجربی و نظری تئاتر از قبیل، کارگردانی، بازیگری، تکنیک بازیگری، زیبایی‌شناسی تئاتر، اخلاق و آداب هنری و ... تحت عنوان "سیستم استانیسلاوسکی"^۱ جریان‌ی که در یک برهه نسبتاً طولانی به عنوان شاخص ((بازیگری اصیل و واقعی)) در دنیای تئاتر مطرح گردید و فرهنگ و هنر تئاتر را ملل مختلف را تحت سیطره خود در آورد و در ایجاد مکاتب بعدی و جدیدتر هنر بازیگری، زمینه ساز شد.

این "سیستم" در واقع مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، کشفیات و استنتاجات در زمینه طبیعت ارگانیسم درونی و برونی انسان - نقش است که بر پایه مطالعات علوم مختلف از جمله علم روان‌شناسی^۲ بنا گردیده و شامل ارائه راهکارها و دستورالعمل‌هایی در زمینه چگونگی رسیدن به احساس واقعی و صحیح است (یعنی شناخت قوانین ارگانیسم طبیعی خلاقین)؛ به عبارت دیگر شیوه‌ای است جهت ارتقاء سطح بازیگری سنتی به بازیگری واقعی و تازه‌نگار^۳. طریق به‌کارگیری مصالح روحی روانی و اندامگان انسانی. این "سیستم" توسط استانیسلاوسکی^۴ تألیف، تدوین و تکمیل گردیده و تحت عنوان "تئاتر علمی"^۵ به دنیا معرفی شده است.

"سیستم" بر دو پایه "تأثر"^۶ و "تجسم"^۷ بنا گردیده است که اولی متکی بر شناخت مبانی و نظریه‌های روان‌شناسانه علمی - تجربی است و دومی در ارتباط با تربیت اندامگان برونی و اجرای صحیح اعمال جسمانی فیزیکی، منحصر از مرحله اول. ما قصد داریم به اولین مرحله شناخت "سیستم" یعنی مرحله "تأثر" بپردازیم چرا که رویکرد ما در این بررسی، رویکردی روان‌شناختی خواهد بود.

باید گفت که "سیستم خلاقیت هنرپیشگی" استانیسلاوسکی در واقع همان سیستم هماهنگ "طبیعت" است. طبیعتی پویا، واقعی و جذاب و در عین حال ساده و بی‌تکلف، برای ایجاد سیمای نمونه و زنده‌ای که در آن به وسیله خلاقیت صحنه‌ای، محتوای عمیق و ایده اساسی نمایش بتواند تجسم پذیرد یا به عبارت دیگر ایجاد سیمای زنده صحنه‌ای، بر مبنای احساس واقعی و طبیعتی هنرپیشه شکل گیرد.

۱. در این کتاب، جهت اختصار از سیستم استانیسلاوسکی تحت عنوان "سیستم" نام برده خواهد شد.

2. Psychology

3. Konstantin Stanislavsky (1862-1938).

4. Scientific Theatre

5. Emotion

6. Imagination

طبیعت آدمی همان طبیعت مسائل ساده و ابتدایی روان‌شناختی و فیزیولوژیکی است که ظاهراً قابل شناخت و تجزیه و تحلیل نیست. استانیسلاوسکی بر اصول یگانگی فرم و محتوای رئالیسم هنری و ارتباط ناگسستنی طبیعت روانی و جسمانی انسان تکیه می‌کند و خلاقیت را جریانی روانی - مادی می‌داند و تأکید می‌کند که اعمال صحیح جسمانی و باور داشتن آن باعث برانگیختن زندگی روانی ما می‌شود و توجه دقیق به ایجاد خط سیر منطقی و تسلسل برونی اعمال جسمانی باعث ایجاد خط سیر منطقی و متسلسل احساس می‌شود. در این سیستم خلاقه، مسئله تکنیک تجسم صحنه‌ای به همان نسبت مسئله تکنیک درونی تأثر، ارزش و اهمیت دارد و نمی‌توان گفت مسائل درونی یا مسائل برون، صحنه‌ای کدام دارای ارزش بیشتری است. عده‌ای تنها با در نظر گرفتن زحمات، کوشش و تجسس‌های اولیه استانیسلاوسکی در مورد محتوای روانی - خلاقیت و تکنیک روانی تأثر و تأکید بیش از حد وی بر مسئله "احساس" به اشتباه سیستم را "مکتب احساس" میدانند که این امر کاملاً نادرست بوده است. از طرف دیگر بوده‌اند کسانی که به خاطر عدم درک صحیح و نیز کاهلی در کار روی مصالح درونی و نیز با تأکید بر مسئله "اعمال جسمانی" به عذران آخرین کشف استانیسلاوسکی که ما را بی واسطه به احساس واقعی می‌رساند، آنها به اعمال صحیح، منطقی، هدفمند و متسلسل متوسل شده‌اند که در این مورد نیز ره به خطا رده‌اند، چرا که این عمل تنها به کلیشه‌های رایج و "بازی به طور کلی" می‌انجامد و کار هر چه را از روح و تأثیرات عالی خالی می‌سازد.

باید دانست که در سیستم دو خط سیر یا جریان درونی و برون، دو خط موازی هم رشد می‌کند و توسط هنرپیشه همزمان و با ارتباط کامل و به هم بسته شده‌ای اجرا می‌گردد. به هر حال "سیستم" را نباید فقط از دید روان‌شناختی نگاه کرد چرا که این نگاه، نگاهی تک بعدی است و راه به جایی نمی‌برد. در مورد اعمال جسمانی و برونی و تکنیک‌های خود احساس‌گری برونی هنرپیشگی نیز وضع به همین منوال است. روح و جسم هنرپیشه می‌بایست با هم تربیت شود. در این کتاب مسائل روان‌شناختی مهم و اساسی در درک "سیستم" از قبیل، خودآگاه و ناخودآگاه، غریزه، شعور، احساس و ادراک، هیجانات و عواطف و ... مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌گیرد چرا که برای شناخت موضوع، ناگزیر از طی مراحل آن از طریق اصولی

و سیستماتیک هستیم. استانیسلاوسکی در این زمینه در کتاب "کار هنرپیشه روی خود در جریان تأثر" می‌نویسد:

... یکی از هدف‌های عمده‌ای که به‌وسیله "سیستم" دنبال شده، عبارت است از برانگیختن ارگانیسم طبیعی هنر با ضمیر ناخودآگاه

و یا در جای دیگر اضافه می‌کند:^۱

بعد از آنکه متوجه شدم در پنجاهمین شب اجرای نمایشنامه‌ای که موفقیت زیادی هم در بین تماشاچیان پیدا کرده بود، نقش خود را به‌طور مکانیکی اجرا می‌کنم و موقع اجرا کارهای جانبی فکرمی‌کنم، چنان دستخوش ناراحتی شدم که تصمیم گرفتم صحنه را با آن همیشه کنار بگذارم. از آن وقت بود که به مطالعه روان‌شناسی هنرپیشگی پرداختم.

در این کتاب سعی شده است که سیستم استانیسلاوسکی با نگره‌های روان‌شناسانه مورد ارزیابی قرار گیرد و کمپای ارج و منزلت "سیستم" بر لزوم شناخت و اهمیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های آن به همان علم روان‌شناسی است تأکید گردد. اذعان دارم که کتابم دارای کاستی‌های فزاینده‌ای است، اما امیدوارم توانسته باشد دست کم اهمیت موضوع را متذکر گردد.

در اینجا لازم است از تمامی دوستانی که در چاپ این کتاب مرا یاری و همراهی کردند صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی نمایم.

۱. استانیسلاوسکی، کنستانتین، کار هنرپیشه روی خود در جریان تأثر، ترجمه مهین اسکوئی، ص ۲۹.